

توالی متقابل‌های واژگانی در زبان فارسی: مطالعه‌ای پیکره‌بنیاد

ماندانا کلاهدوز محمدی

دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی همگانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

علی رضا قلی فامیان^۱

دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور

فردوس آقاگلزاده

استاد گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۲؛ تاریخ پذیرش مقاله ۹۷/۱۱/۷

چکیده

تقابل نوعی رابطه واژگانی-معنایی است که در قالب آن دو واژه که از بسیاری جهات مشابه هستند به معانی کاملاً متضاد اشاره می‌کنند. در بررسی توزیع دو واژه متقابل موضوع توالی آن‌ها («الف» «ب» یا «ب» «الف») مطرح می‌شود. مطالعات انگشت‌شمار پیشین و مشاهدات نگارندگان در پیکره شفاهی و نوشتاری حاکی از آن است که توالی متقابل‌ها در اغلب موارد تابع نظمی پنهان است. جونز (۲۰۰۲) کوشیده است نظم مذکور را در قالب هفت اصل تبیین کند. اصول مورد نظر شامل اشتقاق ساختواژی، مثبت بودن، بزرگی، ترتیب وقوع رویدادها، جنسیت، واج‌شناسی و اصطلاح‌گرایی است. هدف از مطالعه حاضر، بررسی توالی جفت‌واژه‌های متقابل در توالی اولویت‌دار زبان فارسی مبتنی بر داده‌های پیکره‌ای محقق ساخته و بررسی آن در چارچوب اصول هفتگانه جونز (۲۰۰۲) است. نمونه‌های مورد استفاده در مطالعه حاضر شامل ۴۰۰۰ جمله دارای جفت‌واژه‌های متقابل است که گونه‌های نوشتاری و گفتاری زبان فارسی دهه‌های ۴۰ تا ۹۰ شمسی اعم از متون داستانی، مطبوعاتی، رادیویی، تلویزیونی و فضای مجازی را در برمی‌گیرد. تنوع موضوعی متون و توجه به سیر تاریخی آن‌ها در طول شش دهه به نگارندگان کمک می‌کند تا با پیکره‌ای متوازن و طبیعی سروکار داشته باشند و در صورت نیاز با رویکردی تاریخی و در زمانی به تحولات زبانی بپردازند. از منظر مقوله واژگانی، در تشکیل جفت‌واژه‌های متقابل، مقوله اسم بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است و مقولات فعل، صفت، قید و ضمیر در رتبه‌های بعدی جای می‌گیرند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بر اساس چارچوب نظری جونز حدود نیمی از جفت‌واژه‌های مورد مطالعه قابل تبیین با اصول هفتگانه هستند و اصولی همچون اصطلاح‌گرایی، واج‌شناسی، مثبت بودن و اشتقاق ساختواژی تأثیر بیشتری دارند و در مواردی تفاوت‌های فرهنگی و بافتی دلیل نقض برخی از اصول هستند. همچنین مشخص شد که الگوی متداول در توالی جفت‌واژه‌های متقابل الگویی است که عضو بی‌نشان بر عضو نشان‌دار پیشی می‌گیرد. این امر با یافته‌های محققان در خصوص نشان‌داری سازگار است.

واژه‌های کلیدی: توالی تقابل، اصول توالی، نشان‌داری، پیکره، گفتمان محاوره‌ای و نوشتاری

۱- مقدمه

تقابل^۱ نوعی رابطه معنایی - واژگانی از جنس روابط جانشینی است که می‌توان آن را بر اساس تفاوت‌های کمینه^۲ تعریف کرد (کلارک^۳، ۱۹۷۰: هله^۴، ۱۹۷۱؛ مورفی^۵، ۲۰۰۳). دو واژه زمانی تفاوت کمینه دارند که در تمام ویژگی‌های معنایی بارزشان مشترک و تنها در یک ویژگی متفاوت باشند. رویکرد فراواژگانی^۶ مورفی در رابطه با روابط جانشینی معنایی حاکی از آن است که اعضای یک مجموعه متباین (دوتایی)^۷ تمام ویژگی‌های مرتبط و مشابه بافتی را به غیر از یک مورد دارا هستند. این دستورالعمل تضمین می‌کند که اکثریت پیش‌نمونه‌های ارائه‌شده برای رابطه تباین دربردارنده مواردی هستند که فقط در یک نقطه معنایی مرتبط با یکدیگر متفاوت‌اند (مانند زنده/مرده)، بنابراین قادر به توضیح تمام جفت‌های متباین هستند. در برخی از تحقیقات (مورفی^۸ و اندرو^۹، ۱۹۹۳؛ متینگر^{۱۰}، ۱۹۹۴؛ فلپام^{۱۱}، ۱۹۹۵) اصطلاح تقابل به تضاد دوتایی بین معانی مغایر در زبان محدود می‌شود، برای مثال گرم/سرد، همان‌گونه که مکمل‌هایی مانند درست/غلط و تضادهای دیگر در زبان خرید/فروش در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. در این مقاله منظور از تقابل، کلیه جفت‌واژه‌ها - مفاهیم^{۱۲} است (بازنمایی مفهومی کلمات) که فقط در یک ویژگی مربوط به بافت متفاوت هستند و به هنگام استفاده از زبان، در تباین معنایی دوتایی ظاهر می‌شوند. این امر با رویکرد فراواژگانی روابط جانشینی معنایی هم‌تراز است؛ بنابراین در این رویکرد، روابط معنایی به بافت بستگی دارند و با اصل ارتباطی واحد قابل پیش‌بینی هستند (مورفی، ۲۰۰۳: ۲۵) و روابط معنایی موجود بین کلمات، دانش مفهومی درباره کلمات را منعکس می‌کنند نه دانش واژگانی آن‌ها را (مورفی، ۲۰۰۰).

آنچه که به طور کامل در طبقه‌بندی‌های نظری تقابل نادیده گرفته شده است چگونگی عملکرد آن در زبان روزمره است. رویکردهای پیکره‌ای تقابل می‌توانند بینش لازم برای چگونگی به کارگیری تقابل در زبان روزمره را ارائه دهند، اما این رویکردها همچنان به طور نسبی نادر هستند و اغلب در زبان انگلیسی اعمال می‌شوند. تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند پژوهشی در خصوص توالی جفت‌واژه‌های متقابل به صورت در زمانی در زمینه ژانرهای نوشتاری و گفتاری زبان فارسی صورت نگرفته است. در این

1. Antonymy. 2. minimal differences. 3. H.H.Clark. 4. K.L.Hale. 5. M.L.Murphy. 6. metalexical approach. 7. (binary) contrast set. 8. G.L.Murphy. 9. J.M.Andrew. 10. A.Mettinger. 11. C.Fellbaum. 12. pairs of word-concepts.

مطالعه می‌کوشیم به این پرسش بنیادی پاسخ دهیم که توالی متقابل‌ها در زبان فارسی تابع کدام اصول زبانی یا شناختی است. بدیهی است ابتدا بایستی با اصول مذکور آشنا شویم. تحلیل حاضر بر اساس مثال‌های برگرفته از پیکره‌ای محقق ساخته صورت گرفته که در خلال آن محققین به بررسی ۴۰۰۰ جمله واجد شرایط (جملاتی که هر یک دارای یک جفت‌واژه متقابل هستند) از میان گونه‌های نوشتاری و گفتاری زبان فارسی پرداختند. در مرحله بعد ۲۱ جفت‌واژه متقابل هم وقوع شناسایی شدند. پس از آن بسامد جفت‌واژه متقابل در فرهنگ بسامدی بی‌جن‌خان مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند. در این پژوهش رفتار جفت‌واژه‌های فارسی از منظر توالی در چارچوب انگاره نظری جونز (۲۰۰۲) بررسی خواهد شد. از آنجایی که برخی زبان‌شناسان، عدم تقارن‌های توزیعی در روابط متقابل را به مفهوم نشان‌داری^۱ نسبت می‌دهند (وندلر^۲، ۱۹۶۳؛ گیون^۳، ۱۹۷۰؛ لیونگ^۴، ۱۹۷۴؛ لهر^۵، ۱۹۸۵؛ هندکی^۶، ۱۹۹۵)، کشف این نکته که آیا معیارهای استاندارد نشان‌دار به بافت‌های متقابل به کاربرد واقعی زبان مربوط هستند یا خیر از اهمیت خاصی برخوردار خواهد بود؛ بنابراین در این مقاله پس از بررسی توالی در جفت‌واژه‌های متقابل به سؤالات زیر پاسخ می‌دهیم:

- ۱- از میان جفت‌واژه‌های مطالعه شده پیکره حاضر چه تعداد از اصول هفتگانه جونز (۲۰۰۲) پیروی می‌کنند؟
- ۲- در میان جفت‌واژه‌های متقابل (الف/ب) کدام توالی (الف/ب) یا (ب/الف) پرسامدتر است؟
- ۳- توالی‌های جفت‌واژه‌های فارسی با توجه به اصول هفتگانه مطرح در انگاره نظری جونز چگونه تبیین می‌شوند؟
- ۴- بر اساس مفهوم نشان‌داری توالی‌های جفت‌واژه‌های فارسی بررسی شده چگونه تبیین می‌شوند؟

۲- پیشینه تحقیق

از دهه ۱۹۳۰، مفهوم نشان‌داری در تحقیقات زبانشناسی به کار برده شده است، یعنی زمانی که تروبتسکوی^۷ و یاکوبسن^۸ برای اولین بار آن را تعریف کردند. برخی زبان‌شناسان (وندلر، ۱۹۶۳؛ گیون، ۱۹۷۰)، تقابل را از منظر نشان‌داری تعریف کرده و

1. Markedness 2. Z.Vendler. 3. T.Givón. 4. M.Ljung. 5. A.Lehrer. 6. J.Handke. 7. N.Tubetzky. 8.R.Jakobson.

ادعا می‌کنند در جفت تقابل‌های وابسته به صفت یکی از اعضاء بی‌نشان است، یعنی یک کلمهٔ عمومی پوشش‌دهنده برای ویژگی رایجی است که هر دو عضو به آن دلالت می‌کنند. تفاوت صفت متقابل بی‌نشان و نشان‌دار در دوگانگی^۱ عضو مثبت و منفی نمود بیشتری پیدا می‌کند، عضو مثبت که دارای ویژگی رایج‌تری است، در هر دو عضو دخیل بوده و تنها عضوی است که در معنای بی‌نشان یا عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

چنین تعریف محدودی از تقابل چندان سودمند نیست، اما به این واقعیت اشاره می‌کند که تفاوت‌های نشان‌داری در میان صفات مدرج آشکارتر است. لهر (۱۹۸۵) تعداد زیادی از جفت متقابل‌های مدرج را با توجه به ویژگی‌های نشان‌داری بررسی کرد و به این نتیجه رسید که ۸۰٪ جفت متقابل‌های مدرج دارای تمایز نشان‌دار هستند. هاسپل مَس^۲ (۲۰۰۶) استدلال لهر را با اشاره به مطالعهٔ لیچ و همکارانش (۲۰۰۱) رد می‌کند که در آن لیچ و همکارانش (۲۰۰۱) نشان دادند صفات مدرج بی‌نشان دو تا شش برابر بیشتر از همتهای نشان‌دار خود در پیکرهٔ ملی بریتانیا^۳ ظاهر می‌شوند.

فلبام (۲۸۵:۱۹۹۵) ادعا کرد که تقابل در صفات نسبت به اجزای دیگر زبان از جامعیت بیشتری برخوردار است، اما روش‌های الگو محور لوبانوا^۴ (۲۰۱۲) مشخص کردند که جفت‌های متقابل بیشتر با اسامی بیان می‌شوند و در پیکره‌های بزرگ‌تر تقابل‌های اسمی و فعلی بیشتری پیدا خواهد شد (لوبانوا، ۲۰۱۲: ۲۴۰).

کاستیج^۵ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای پیکره‌بنیاد به بررسی توالی در متون نوشتاری پیکره الکترونیکی معاصر زبان صربی پرداخت. مطالعه وی تنها از منظر روش تحقیق، پیکره مورد مطالعه و مبحث نشان‌داری با بررسی توالی جفت‌واژه‌های متقابل صورت گرفته توسط جونز (۲۰۰۲) تفاوت دارد. در مطالعه جونز از ۵۶ جفت‌واژه متقابل مورد بررسی تنها چهارده جفت‌واژه متقابل تمایل به هیچ‌کدام از توالی‌های (الف/ب) یا (ب/الف) مطرح‌شده نشان ندادند ولی در نتایج کاستیج سه‌چهارم ۵۷ جفت‌واژه متقابل مورد مطالعه دارای توالی‌های مدنظر بودند و رابطه معناداری میان توالی جفت‌واژه‌های متقابل در کارکرد کلامی و مفهوم نشان‌داری وجود داشت. به عقیدهٔ وی اصول توالی تقابل‌ها ممکن است از اصول شناختی همگانی و بازنمایی‌های مفهومی تبعیت نماید. همچنین

1. Dichotomy. 2. M.Haspelmath. 3. british national corpus. 4. A.Lobanova. 5. N.Kostic

به نظر می‌رسد که توالی متقابل‌ها در نوشتار تابع اصولی مانند بسامد واژه، خنثی‌شدگی^۱ و ملاحظات زمانی، بصری، فضایی و جنسیتی است. کاستیج اذعان می‌دارد که این اصول در بازنمایی مفهومی انسان وجود دارد و اصل جنسیت نیز یکی از اصول فرهنگ محور است که ممکن است در فرهنگ‌های متفاوت توالی متفاوتی بپذیرد. در تحقیق وی اصل خنثی‌شدگی هم‌راستا با فراوانی است به طوری که جفت‌واژه‌های متقابل با توالی خنثی همان جفت‌واژه‌های دارای توالی پربسامد بودند که این خود حاکی از بالا بودن فراوانی توالی بی‌نشان بود. وی دلیل این امر را چنین بیان می‌کند که جفت‌واژه‌های متقابل با فراوانی زیاد بازنمایی ذهنی قوی دارند و به این دلیل قابلیت دسترسی به آن‌ها زیاد است. در خصوص اصل مثبت‌بودن نیز وی اذعان می‌دارد که به صورت جهانی ذهن بشر تمایل دارد که از واژگان مثبت بهره بگیرد و حتی برای ساختن جفت‌های متقابل در اغلب موارد از عنصر پایه مثبت بهره می‌گیرد. اصول زمانی، بصری و فضایی نیز مربوط به رخداد وقایع و تجسم ما از اشیاء در فضا هستند. در آخر ذکر این نکته حائز اهمیت است که الگوهای توزیع توالی جفت‌واژه‌های متقابل منعکس‌کننده اصول شناختی کلی و بازنمودهای مفهومی است.

۳- چارچوب نظری

در میان مطالعاتی که تقابل را در زبان روزمره مورد بحث قرار می‌دهند، فقط مطالعه جونز (۲۰۰۲) به تحلیل ترتیب تقابل‌های هم وقوع در جمله پرداخته است. وی برای آزمودن این فرضیه، توالی تمام ۵۶ جفت در کل کارکردهای متنی تقابل‌ها را در پایگاه اطلاعاتی ۳۰۰۰ جمله‌ای خود ارزیابی کرد و به این نتیجه رسید که اکثریت جفت‌ها یک توالی را بر معکوس آن توالی ترجیح می‌دهند. به بیان دقیق‌تر، از ۵۶ جفت بررسی‌شده، فقط ۱۴ جفت نسبت به ارجحیت نشان‌داری بی‌تفاوت بودند و تمایلی به ترتیب خاص در متن نداشتند. برای توضیح این مشاهده، جونز هفت عامل را به عنوان «قوانین» توالی معرفی و اذعان داشت که تقابل‌های معدودی که در فهرست خود به آن‌ها اشاره کرده است با این توضیح مقابله می‌کنند. او به این نتیجه رسید که «باید از قوانین تخطی یا تبعیت کرد» و اغلب «نمی‌توان هیچ توضیح واضحی برای معکوس کردن توالی متعارف پیدا کرد» (جونز، ۲۰۰۲: ۱۳۶). با این حال جونز (۲۰۰۲: ۱۲۳) عقیده دارد که توالی در بین جفت‌های متقابل به خودی خود ایجاد نمی‌شود و پیرو

اصول خاصی است که وی این اصول را به ترتیب تأثیر در هفت گروه طبقه‌بندی می‌کند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

(۱) قاعده اشتقاق ساختواژی از دیدگاه جونز مهم‌ترین قاعده در توالی متقابل‌ها است؛ بنابراین، چنانچه دو واژه متقابل «درست» و «نادرست» را مدنظر قرار دهیم، واژه «درست» عنصر پایه^۱ محسوب شده و صفت «نادرست» (به‌واسطهٔ افزوده شدن پیشوند «نا») عنصر مشتق به‌شمار می‌آید و در چنین مواردی عنصر پایه معمولاً مقدم بر عنصر مشتق است. به بیان دیگر، باید انتظار داشت در متون نوشتاری و گفتار زبان فارسی، بسامد توالی «درست-نادرست» بیشتر از توالی «نادرست-درست» باشد.

(۲) اصل یا معیار مثبت‌بودن^۲ زمانی مطرح است که یک عضو از جفت‌واژه متقابل، معنای ضمنی مثبتی نسبت به عضو دیگر داشته باشد. به عنوان مثال واژه خوب نسبت به بد از معنای ضمنی مثبتی برخوردار است. جفت‌واژه‌هایی همچون بدبین/خوشبین، درست/غلط، شاد/غمگین در زیرمجموعهٔ این اصل قرار می‌گیرند. به مثال (۱) توجه کنید که عشق با معنای ضمنی مثبت مقدم بر نفرت با معنای ضمنی منفی است.

1) I **love** to cook but I **hate** doing the dishes – so I'd have a dishwasher or a family of gypsies to do the washing up. (جونز، ۲۰۰۲: ۴۵)

(۳) بر اساس اصل بزرگی^۳ در یک جفت‌واژه متقابل، واژه‌ای که بر کمیت زیاد دلالت می‌کند بر واژه‌ای که به مقدار کمتر اشاره می‌کند مقدم است، برای مثال در جفت‌واژه‌هایی همچون *large/small* بر اساس این اصل *large* بر *small* تقدم دارد.

2) Nothing, it seemed, was too **large** or too **small** for Mr Al-Fayed: opening hours, music, uniforms, design, retailing **theory**. (جونز، ۲۰۰۲: ۹۲)

(۴) اصل ترتیب وقوع وقایع^۴ به توالی زمانی در دنیای واقعی دلالت می‌کند. برای مثال در پیکرهٔ مورد مطالعه جونز (۲۰۰۲) در جفت‌واژه‌هایی همچون *new/old* به دلیل اینکه ترتیب وقایع از قدیم به جدید است، واژه *old* بر *new* مقدم است.

3) The main problem with the proposal, as with all radical reforms, is the difficulty of transition from the **old** system to the **new**. (جونز، ۲۰۰۲: ۱۴۶)

1. root antonym. 2. Positivity. 3. Magnitude. 4. chronology

۵) بر اساس اصل جنسیت در تعداد قابل توجهی از موارد در پیکره جونز (۲۰۰۲) *male* بر *female* و *masculine* بر *feminine* تقدم می‌یابد. در مثال زیر نیز چنین اصلی مشاهده می‌شود.

4) The center was originally designed to hold 511 men in single cells, but it now houses over 600 **male** remand prisoners and 140 **female** inmates in separate wings. (جونز، ۲۰۰۲: ۹۸)

۶) بر اساس اصل واج‌شناسی در یک جفت‌واژه متقابل، عضو با هجای کمتر از عضو با هجای بیشتر پیشی می‌گیرد. در پیکره مورد مطالعه جونز (۲۰۰۲) در جفت‌واژه‌هایی همچون *male/female*, *boom/recession*, *well/badly*, *fact/fiction* عضو دارای هجای کمتر مقدم بر هجای بیشتر است. البته اصول دیگری نیز همچون جنسیت یا ترتیب وقوع می‌توانند در این امر نقش داشته باشند.

5) For at least one viewer, who had regarded **male** wrestlers as morons and **female** wrestlers as oxymorons, it was an enlightening experience. (جونز، ۲۰۰۲: ۵۲)

۷) اصطلاح‌گرایی^۱ که در آن به نظر می‌رسد برخی از جفت‌ها ترتیب خاصی را ترجیح می‌دهند آن‌هم نه به دلیل معیار انتزاعی معناشناختی بلکه به دلیل حالت نیمه اصطلاحی خود که می‌تواند منشأ تاریخی داشته باشد. جونز در پیکره خود فقط به *(war and peace)* و *(dead or alive)* اشاره می‌کند، دو جفتی که عامل مثبت بودن را نادیده می‌گیرند. نمونه بارز آن رمان لئون تولستوی با عنوان «جنگ و صلح» است.

6) Communism may be **dead**, but fascism is most assuredly **alive**. (جونز، ۲۰۰۲: ۴۹)

دو عامل باقیمانده که تنها به عنوان معیارهای حاشیه‌ای توالی تقابل ارائه می‌شوند فراوانی^۲ و نشان‌داری^۳ هستند. از بین ۵۶ جفت متقابل که توسط جونز (۲۰۰۲) مورد بررسی قرار گرفت، فقط ۱۴ جفت نسبت به ارجحیت نشان‌داری بی‌تفاوت بودند. برای توضیح این مشاهده، جونز هفت عامل را به عنوان «قوانین» توالی معرفی کرد و اذعان داشت که تقابل‌های معدودی که در فهرست خود به آن‌ها اشاره کرده است با این توضیح مقابله می‌کنند. او به این نتیجه رسید که «یا باید قوانین را نادیده گرفت و یا از آنان پیروی کرد» و اغلب «نمی‌توان هیچ توضیح واضحی برای معکوس کردن توالی متعارف پیدا کرد» (جونز، ۲۰۰۲: ۱۳۶).

جونز ادعا می‌کند نمی‌توان فراوانی را به عنوان یک عامل مؤثر قلمداد کرد چراکه نوع پیکره نیز می‌تواند فراوانی کلمات را تحت تأثیر قرار دهد، برای مثال در پیکره جونز

1. Idiomaticity. 2. Frequency. 3. Markedness.

از ۵۶ جفت‌واژه مورد بررسی (شامل نتایج آماری قابل توجه و آماری ناچیز) گرچه فراوانی *old* (کهنه) نسبت به جفت دیگر کمتر است اما قبل از *new* (نو) به کار رفته است. همین موضوع در خصوص غنی و فقیر نیز صادق است به طوری که گرچه فراوانی غنی کمتر از فقیر است ولی باز هم به صورت غنی/ فقیر به کار گرفته شده است. به مثال زیر از پیکره جونز توجه کنید:

7) But the gap between **rich** and **poor** has widened and there's a dwindling middle class. (جونز، ۲۰۰۲: ۳۵)

جونز با بررسی کوتاه‌جملاتی که تقابل‌های موجود در پیکره را در ترتیبی معکوس، اذعان داشت زمانی که یک جفت متقابل با بیش از یک یا دو کلمه در متن از یکدیگر جدا می‌شوند، به احتمال زیاد «اصول» توالی رعایت نمی‌شود (جونز، ۲۰۰۲: ۱۳۲). به عقیده جونز عوامل بافتی نقشی را در ترتیب دهی تقابل ایفا می‌کنند، به این معنی که اعضای بی‌نشان و مورد انتظار بیشتر در ابتدا می‌آیند. اگر ما بدانیم که ارزش‌های نشان‌داری همواره بافت‌محور هستند، یعنی بافت‌های خاص معین و مرتبط، می‌توانیم این مسئله را مسلم بپنداریم که تمام استثنائات در حقیقت اصلاً استثنا نیستند، با این شرط که اصول ترتیب‌دهی تقابل‌ها به شیوه‌ای متفاوت تبیین شوند.

۴- روش‌شناسی تحقیق

تهیه پیکره‌ای که نشانگر جفت‌های متضاد باشد، کار ساده‌ای نیست چراکه انتخاب جفت‌واژه‌های متقابل اغلب ناگزیر روی نتایج به دست آمده اثر می‌گذارد. جونز (۲۰۰۲: ۲۷) نیز در این باره می‌گوید: تصور تهیه فهرستی از تقابل‌ها که هیچ نقدی به آن وارد نباشد دشوار است؛ بنابراین به منظور کمتر کردن هرچه بیشتر تداخل و سوگیری در انتخاب جفت‌واژه‌های متقابل در خلال تحقیق حاضر پژوهشگران از یافته‌های مطالعه اولیه خود بهره گرفتند. در خلال آن مطالعه ۴۰۰۰ جمله دارای جفت‌واژه‌های متقابل را از میان گونه‌های نوشتاری و گفتاری زبان فارسی دهه‌های ۴۰ تا ۹۰ شمسی اعم از متون داستانی، مطبوعاتی، رادیویی، تلویزیونی و فضای مجازی را به صورت تصادفی انتخاب و پس از آن فهرستی از جفت‌واژه‌های زبان فارسی تهیه شد (کلاهدوز و همکاران، ۱۳۹۸). یافته‌ها حاکی از آن بود که در تشکیل جفت‌واژه‌های متقابل، مقوله اسم بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است و مقولات فعل، صفت، قید و ضمیر در رتبه‌های بعدی جای می‌گیرند. در مرحله بعدی از میان فهرست به دست آمده بدون در نظر گرفتن مقوله، ۲۱ جفت‌واژه متقابل پربسامد استخراج شدند. پس از آن بسامد توالی هریک از جفت‌واژه متقابل پربسامد به دست آمد و این توالی در

موتور جستجوی گوگل نیز بررسی شد. پس از آن بسامد به دست آمده با پیکره موجود در فرهنگ بسامدی بی‌جن‌خان (۱۳۹۱) مقایسه شد؛ بنابراین سه ابزار در تحقیق حاضر به کار گرفته شدند، (۱) پیکره دستی محقق ساخته مشتمل بر ۴۰۰۰ جمله از ژانرهای شفاهی کتبی و فضای مجازی که دهه‌های ۴۰ تا ۹۰ شمسی را در برمی‌گیرد، (۲) دو صفحه اول موتور جستجوی گوگل که معمولاً مطالب پر بازدید در این دو صفحه قرار می‌گیرند (۳) فرهنگ بسامدی بی‌جن‌خان (۱۳۹۱) که میزان کاربرد کلمات زبان فارسی را بر حسب فراوانی وقوع آن‌ها در یک پیکره زبانی که نماینده آماری زبان است نشان می‌دهد. منظور از کلمات زبان فارسی امروز در این فرهنگ زبانی است که در دوران سی ساله انقلاب اسلامی در منابع مختلف مانند روزنامه، مجله، کتاب و مکالمات رودررو و تلفنی در بازه زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ منتشر شده‌اند. با توجه به اینکه میزان بسامد کلمات در یک فرهنگ بسامدی با تحولات تاریخی یک جامعه رابطه مستقیم دارد و تابع بازه زمانی است که پیکره فرهنگ در آن زمان گردآوری شده است، همخوانی زمانی بین پیکره دستی محقق ساخته و فرهنگ بسامدی بی‌جن‌خان (۱۳۹۱) وجود دارد.

۴- تحلیل داده‌ها

در ادامه به بررسی نمونه‌هایی از پیکره و بسامد توالی‌ها بر اساس داده‌های گردآوری شده می‌پردازیم.

۴-۱- نمونه‌های پیکره

در ابتدا چند مورد از جفت‌واژه‌های متقابل در پیکره را مرور می‌کنیم و سپس به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم.

(۱) می‌خوایم در مورد کسانی صحبت بکنیم که عید نوروز شانس بودن در کنار خانواده رو ندارن، ولی در عین حال به تکنولوژی دسترسی دارن (برنامه رادیویی دهه ۹۰).

(۲) ما اسرائیلی‌ها شما و همسران و فرزندانتان را می‌کشیم؛ شما را مرده ببینیم بیشتر خوشحال می‌شویم تا زنده (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۶: ۱۲).

(۳) آدم نمی‌دونه کی راست میگه کی دروغ میگه؟ (تنهایی لیلا دهه ۹۰).

(۴) نه شب خواب داریم، نه روز آروم (صادق چوبک، صفحه ۱).

(۵) خانم‌ها و آقایان شب شما به خیر به ۲۰:۳۰ خوش آمدید (اخبار ۲۰:۳۰).

(۶) این خود رقت زنان را نسبت به مردان در مواقع هیجانی نشان می‌دهد (بازی سرنوشت صفحه ۱۲۱).

(۷) چراکه با کم و زیاد شدن غلظت این دارو، ممکن است شخص برای همیشه قادر به تکان دادن دست یا پاهایش نشود (ویژه‌نامه هفتگی دانش و پزشکی، ۱۳۹۰، صفحه ۵).

(۸) من به خیلی از دوستان میگم پرسش و پاسخ رو تو مجلس هاتون راه بندازید (اخلاق در نهج‌البلاغه دهه ۹۰).

جدول (۱) بسامد جفت‌واژه‌های متقابل در پیکره مورد مطالعه و پیکره بی‌جن خان

توالی غالب در دو پیکره مورد مطالعه		بسامد جفت‌واژه‌های متقابل در پیکره مورد مطالعه				بسامد کل	جفت‌واژه‌های پربسامد در پیکره
پیکره بی‌جن خان	پیکره محقق	پیکره بی‌جن خان		پیکره محقق ساخته مورد مطالعه از زبان فارسی			
مرد > زن	مرد > زن	زن	مرد	زن - مرد	مرد - زن	۲۸	مرد - زن
		۵۷۲۹ >	۳۵۱۶	۱۷۷	۱۰۶	۳	
مادر > پدر	مادر > پدر	مادر	پدر	مادر - پدر	پدر - مادر	۲۵۰	پدر - مادر
		۲۰۸۸ <	۲۲۶۲	۲۰	۲۳۰		
-	هست < نیست	نیست	هست	نیست - هست	هست - نیست	۱۶۶	هست - نیست
		-	-	۷۴	۹۲		
دختر < پسر	دختر < پسر	پسر	دختر	پسر - دختر	دختر - پسر	۱۳۲	دختر - پسر
		۱۶۰۰ <	۱۹۸۸	۴۸	۸۴		
روز > شب	روز > شب	شب	روز	شب - روز	روز - شب	۹۷	روز - شب
		۲۷۳۱ >	۱۵۶۶۷	۶۲	۳۵		
رفت > آمد	رفت < آمد	رفت	آمد	رفت - آمد	آمد - رفت	۹۶	رفت - آمد
		۱۴۶۸ <	۲۴۱۹	۷۸	۱۸		
بالا < پایین	بالا < پایین	پایین	بالا	پایین - بالا	بالا - پایین	۹۳	بالا - پایین
		۸۴۴ <	۳۹۷۵	۲۰	۷۳		
صبح > شب	صبح < شب	شب	صبح	شب - صبح	صبح - شب	۸۷	صبح - شب
		۲۷۳۱ >	۱۶۶۴	۳۷	۵۰		
بزرگ < کوچک	بزرگ < کوچک	کوچک	بزرگ	کوچک - بزرگ	بزرگ - کوچک	۸۴	بزرگ - کوچک
		۱۹۳۹ <	۶۶۴۱	۳۸	۴۶		
خواهر > برادر	خواهر > برادر	برادر	خواهر	برادر - خواهر	خواهر - برادر	۶۹	برادر - خواهر
		۱۵۳۱ >	۶۲۵	۳۲	۳۷		
پرسش > پاسخ	پرسش < پاسخ	پاسخ	پرسش	پاسخ - پرسش	پرسش - پاسخ	۶۰	پرسش - پاسخ
		۲۹۹۲ >	۹۱۲	۳۷	۲۳		
خانم > آقا	خانم < آقا	آقا	خانم	آقا - خانم	خانم - آقا	۵۶	خانم - آقا
		۸۸۳۱ >	۱۹۱۹	۲۲	۳۴		
خوب < بد	خوب < بد	بد	خوب	بد - خوب	خوب - بد	۵۴	خوب - بد
		۸۳۵ <	۳۸۱۴	۱۳	۴۱		
داری > نداری	داری > نداری	نداری	داری	نداری - داری	داری - نداری	۴۵	داری - نداری
		۸۳ <	۶۲۵	۲۵	۲۰		
کم > زیاد	کم < زیاد	زیاد	کم	زیاد - کم	کم - زیاد	۴۴	کم - زیاد
		۵۲۶۲ >	۲۱۲۸	۸	۳۶		
اول < آخر	اول < آخر	آخر	اول	آخر - اول	اول - آخر	۴۰	اول - آخر
		۸۶۶ <	۱۲۷۸	۶	۳۴		
سفید > سیاه	سفید > سیاه	سیاه	سفید	سیاه - سفید	سفید - سیاه	۳۶	سفید - سیاه
		۷۳۰ <	۹۰۳	۲۳	۱۳		
راست < دروغ	راست < دروغ	دروغ	راست	دروغ - راست	راست - دروغ	۳۳	راست - دروغ
		- <	۸۵۳	۸	۲۵		
مرده > زنده	مرده > زنده	زنده	مرده	زنده - مرده	مرده - زنده	۳۲	مرده - زنده
		۱۲۳۶ >	۶۸	۱۱	۲۱		
جوان < پیر	جوان > پیر	پیر	جوان	پیر - جوان	جوان - پیر	۳۰	پیر - جوان
		- <	۵۲۳۵	۱۷	۱۳		
خواستن - نخواستن	خواستن < نخواستن	نخواستن	خواستن	نخواستن - خواستن	خواستن - نخواستن	۲۷	خواستن - نخواستن
		-	-	۲	۲۵		

جدول (۱) نیز بسامد جفت‌واژه‌های متقابل در دو پیکره مورد مطالعه و پیکره بی‌جن‌خان را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود در مقایسه با پیکره بی‌جن‌خان مشخص شد که جفت‌واژه‌های متقابل «دختر < پسر»، «بالا < پایین»، «بزرگ < کوچک»، «پرسش < پاسخ»، «خوب < بد» و «اول < آخر» دارای توالی غالب یکسان هستند.

۴-۲- بررسی داده‌ها بر اساس اصول هفتگانه جونز (۲۰۰۲)

بر اساس آنچه در بخش دوم این مطالعه در خصوص چارچوب نظری گفته شد. اصل اشتقاق ساختارهای اولین اصل مدنظر جونز (۲۰۰۲) است. با توجه به مثال و همچنین داده‌های گردآوری شده در این مطالعه جفت تقابلی افعالی مانند هست، خواستن و داشتن که با تکواژ منفی‌ساز منفی می‌شوند مقدم بر صورت منفی هستند. در خصوص توالی «خواستن/ نخواستن» و «هست/ نیست» بر اساس یافته‌های پیکره دستی محقق ساخته این اصل تأیید شد ولی در مورد «داری/ نداری» این چنین نبود. مثال (۱) نمونه‌ای از نقض این اصل در پیکره مطالعه حاضر است. از میان ۲۱ جفت‌واژه مطالعه شده، تنها دو جفت تقابلی فعلی «خواستن < نخواستن» و «هست < نیست» با این اصل قابل تبیین هستند.

دومین اصل «مثبت‌بودن» است که در آن ارجحیت در جفت‌واژه تقابلی با آن عضوی است که با مفاهیم مثبت همراه است. مثلاً بر اساس معیار مثبت‌بودن، در جفت‌واژه (مرده/ زنده)، چون زنده‌بودن مثبت است، انتظار داریم در پیکره، در جملاتی که این جفت‌واژه متقابل را دارند، ابتدا زنده به کار رود و سپس مرده که این اصل با توالی جفت‌واژه (مرده/ زنده) همخوانی نداشت. مثال (۲) نمونه‌ای از نقض این اصل در پیکره مطالعه حاضر است. از مجموع جفت‌واژه‌های مطالعه شده، تنها جفت‌واژه‌های تقابلی «خوب < بد»، «راست < دروغ» و «بزرگ < کوچک» با این اصل قابل تبیین هستند.

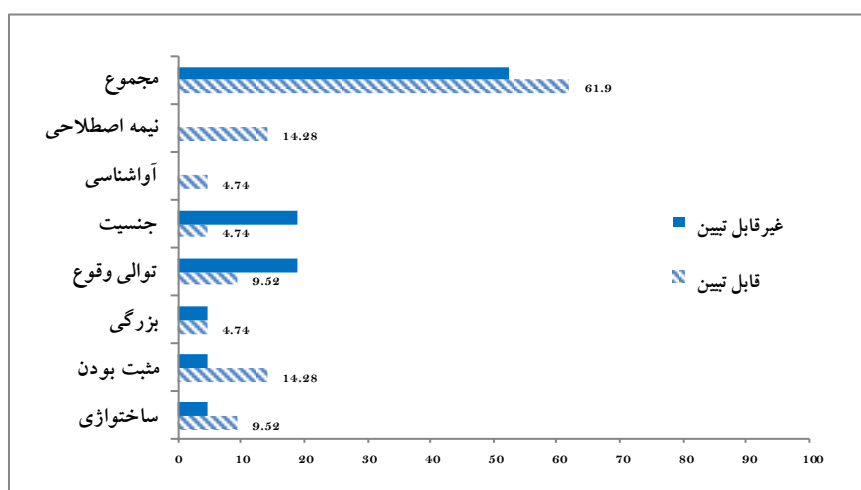
سومین اصل «بزرگی» است که در خلال آن تقابلی که بر کمیت زیاد دلالت می‌کند بر تقابلی که به مقدار کم اشاره می‌کند مقدم است، بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر این اصل در خصوص جفت‌واژه‌های تقابلی مانند، «بزرگ/ کوچک» و «کم/ زیاد» وجود دارد و ارجحیت با عضوایی همچون بزرگ و زیاد است ولی در جفت‌واژه تقابلی

«کم/زیاد» ارجحیت با جفت‌واژه تقابلی «کم» بود (مثال ۷). از مجموع جفت‌واژه‌های جدول (۱) تنها جفت‌واژه تقابلی «بزرگ < کوچک» با این اصل قابل تبیین هستند. چهارمین اصل «توالی وقوع وقایع» است. در این اصل وقتی یک پدیده یا ویژگی ابتدا به صورت الف بوده و بعد در گذر زمان به صورت ب درآمده است، انتظار داریم در پیکره زبانی هم اول الف بیاید و بعد ب. مثلاً در توالی زمانی انتظار بر این است که جوانی قبل از پیری، زنده‌بودن قبل از مردن، پرسش قبل از پاسخ، روز قبل از شب باشد که این اصل در توالی جفت‌واژه‌های تقابلی «مرده/زنده»، «پیر/جوان»، «پاسخ/پرسش» و «شب/روز» رد شد. همچنین بر اساس یافته‌های پیکره مطالعه حاضر در جفت‌واژه‌های تقابلی «صبح/شب» این توالی بیشترین بسامد را داشت که با توجه به اینکه صبح ویژگی الف است و پس از سپری شدن روز ویژگی ب یا شب اتفاق می‌افتد با توالی وقوع وقایع قابل تبیین است. مورد دیگر توالی جفت‌واژه‌های «اول/آخر» است که بر اساس یافته‌های پیکره مطالعه حاضر از اصل توالی وقوع پیروی می‌کند.

پنجمین اصل «جنسیت» است، که در پیکره جونز این اصل به ارجح بودن جنس مذکر در توالی جفت‌واژه‌های تقابلی مربوط است. در پیکره مطالعه حاضر از مجموع جفت‌واژه‌های مطالعه شده یک مورد مربوط به ارجح بودن جنس مذکر آن‌هم در خصوص جفت‌واژه تقابلی «پدر/مادر» وجود داشت و در بقیه جفت‌واژه‌های تقابلی زبان فارسی به در جفت‌واژه‌های تقابلی «خواهر/برادر»، «دختر/پسر»، «خانم/آقا» و «زن/مرد» واژه مربوط به جنسیت مؤنث مقدم است (مثال‌های ۵ و ۶). به این ترتیب به نظر می‌آید در پیکره مطالعه حاضر اصل جنسیت-تقدیم مذکر بر مؤنث-نقض شده است. این تفاوت نشان می‌دهد که اصل موسوم به «جنسیت» در توالی جفت‌واژه‌های متقابل زبان فارسی صدق نمی‌کند و در این خصوص می‌توان با کاستیج (۲۰۱۴) ادعای همراهی کرد زیرا معتقد است در زبان‌های مختلف تأثیر جنس بر موضوع توالی جفت‌واژه‌های متقابل یکسان نیست.

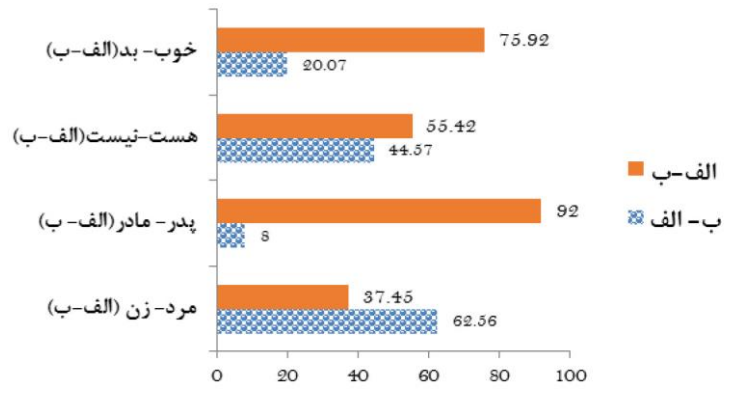
ششمین اصل «واج‌شناسی» است که در پیکره مطالعه حاضر این مورد تنها در خصوص جفت‌واژه متقابل «کم/زیاد» مشاهده شد که در آن واژه با هجای کمتر («کم») بر واژه متقابل با هجای بیشتر («زیاد») مقدم است. در مثال (۷) این نوع بسامد را مرور می‌کنیم که خود تنها یک مورد از ۲۱ مورد بررسی در این مطالعه است.

هفتمین اصل «اصطلاح‌گرایی» است که در آن به نظر می‌رسد برخی از جفت‌واژه‌ها حالت نیمه اصطلاحی پیدا کرده‌اند. در خصوص این مورد با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر از ۲۱ جفت‌واژه مطالعه شده می‌توان به جفت‌واژه‌های تقابلی «رفت/ آمد»، «بالا/ پایین»، «پرسش/ پاسخ» اشاره کرد که مطابق با این اصل هستند مانند مثال (۸). نمودار (۱) بسامد جفت‌واژه‌های مطالعه شده در این مطالعه را که با اصول هفتگانه جونز (۲۰۰۲) قابل تبیین هستند و یا نیستند را نشان می‌دهد. با توجه به این نمودار حدود ۵۷،۱۴ درصد از جفت‌واژه‌های مورد مطالعه قابلیت تبیین با اصول هفتگانه را دارا هستند که در خلال آن اصولی همچون نیمه اصطلاحی، واج‌شناسی، مثبت‌بودن و ساختواژی فراوانی بیشتری در تبیین‌پذیری دارند و اصولی همچون بزرگی، جنسیت و توالی وقوع فراوانی کمتری داشتند که این امر می‌تواند خود به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و تفاوت دیدگاه گویشوران فارسی زبان به ویژه در خصوص شأن و منزلت زن باشد.



نمودار (۱) بسامد جفت‌واژه‌های (غیر) قابل تبیین با اصول هفتگانه جونز (۲۰۰۲)

نمودار (۲) جفت‌واژه‌های پربسامدتر مطالعه حاضر را همراه با الگوی غالب در هر یک نشان می‌دهد. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود الگوی (الف-ب) در جفت‌واژه‌هایی همچون «خوب-بد»، «هست-نیست» و «پدر- مادر» نسبت به الگوی (ب- الف) بیشتر است.



نمودار (۲) الگوی غالب در جفت‌واژه‌های متقابل پرسامندر

۵- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل داده‌ها در پاسخ به اینکه از میان جفت‌واژه‌های مطالعه شده پیکره حاضر چه تعداد از اصول هفتگانه پیروی می‌کنند می‌توان گفت که مطابق جدول (۱) و نمودار (۱) از ۲۱ جفت‌واژه مورد مطالعه در این بررسی حدود ۵۷,۱۴ درصد از اصول هفتگانه جونز (۲۰۰۲) تبعیت می‌کنند که در خلال آن بر اساس اصل اشتقاق ساختواژی تنها دو جفت تقابلی فعلی «خواستن < نخواستن» و «هست < نیست» (۹,۵۲ درصد)، در مورد اصل مثبت‌بودن تنها جفت‌واژه‌های تقابلی «خوب < بد»، «راست < دروغ» و «بزرگ < کوچک» (۱۴,۲۸ درصد)، با در نظر گرفتن اصل بزرگی تنها جفت‌واژه تقابلی «بزرگ < کوچک» (۴,۷۴ درصد)، با توجه به اصل توالی وقوع وقایع نیز دو جفت‌واژه «اول / آخر» و «صبح / شب» (۹,۵۲ درصد)، بر اساس اصل جنسیت نیز تنها یک مورد «پدر / مادر» (۴,۷۴ درصد)، در اصل واج‌شناسی نیز تنها در خصوص جفت‌واژه‌های تقابلی «کم / زیاد» (۴,۷۴ درصد)، در اصل اصطلاح‌گرایی نیز جفت‌واژه‌های تقابلی «رفت / آمد»، «بالا / پایین»، «پرسش / پاسخ» (۱۴,۲۸ درصد) با اصول هفتگانه جونز (۲۰۰۲) قابل تبیین بودند.

مثال (۹) نمونه‌ای از نقض توالی جنسیت و نقض توالی وقوع؛ مثال (۱۰) نمونه‌ای از رعایت توالی جنسیت است.

(۹) تو این روستای گل برف همین جوری نگاه می‌کردم **خانوم** و **آقا** و **پیر** و **جوون** یه کیسه‌ای روی دوششون بود (رادیو دهه ۹۰).

۱۰) نه دیگه اون پدر و مادر برای بچه قابل احترام و نه دیگه اون عموها قابل احترام (رادیو دهه ۹۰).

در پاسخ به سؤال دوم و سوم که کدام توالی (الف/ب)، (ب/الف) پرسامدتر است و این توالی چگونه تحلیل می‌شود، بایستی عنوان کرد که فرض بر این است که توالی با بسامد بیشتر بی‌نشان است؛ بنابراین بر اساس آنچه در بخش مربوط به یافته‌های تحقیق مطرح شد الگوی (الف-ب) در جفت‌واژه‌هایی همچون «خوب/بد»، «هست/نیست» و «پدر/مادر» نسبت به الگوی (ب-الف) بیشتر و در نتیجه بی‌نشان است که این الگوی غالب و بی‌نشان به ترتیب با اصول مثبت‌بودن، ساختواژی و جنسیت در انگاره نظری جونز (۲۰۰۲) سازگار است و البته این یافته با نتایج کاستیج (۲۰۱۴) در خصوص هم‌راستا بودن اصل خنثی‌شدگی با فراوانی جفت‌واژه‌های متقابل نیز سازگار است؛ بنابراین الگوی متداول در توالی جفت‌واژه‌های متقابل الگویی است که عضو بی‌نشان بر عضو نشان‌دار پیشی می‌گیرد. مثال‌های (۱۱-۱۳) نمونه‌هایی بی‌نشان از الگوی پرسامد و مثال‌های (۱۴-۱۷) مواردی نشان‌دار از الگوی کم‌بسامد مورد مطالعه در این تحقیق هستند.

۱۱) بنویسید یک دوست خوب بهتر است از یک دوست بد است (دهه ۷۰ خاطره‌انگیز نوروز ۷۲).

۱۲) دقت کردین استرس و رقابتی که برای انتخاب واحد هست، برای خود قبولی تو دانشگاه نیست (رادیو دهه ۹۰).

۱۳) پدر و مادرم خودشون رو کشتن که من مدرسه برم. (فیلم بابا نان داد دهه ۱۳۴۱)
۱۴) رفتیم منزل و به مادر گفتیم و به پدر گفتیم اول پدرم گفت بچه‌ام نمیخوام بره مدرسه (رادیو دهه ۹۰).

۱۵) زندگی ما همش بد نبود روزای خوب هم داشت که نیومدن (فضای مجازی).
۱۶) خدا که فقط متعلق به آدم‌های خوب نیست خدا، خدای آدم‌های خلافکار هم هست (فضای مجازی).

۱۷) گر تو پنداری که جز تو غمگسارم نیست هست (اینترنت)

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، چارچوب نظری جونز تا حدودی قادر به تبیین یافته‌های مطالعه حاضر است و در مواردی که برخی از اصول نقض شده‌اند به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و بافت محور توالی‌ها است. به عنوان نمونه در مثال (۱۸) توالی

«نداشتن/ داشتن» به دلیل بافت محور بودن رخ داده و توالی «پدر/ مادر» به دلیل تفاوت فرهنگی و نقش مؤثر پدر در خانواده انتخاب شده است. (۱۸) نه بابا چون ما دیگه دعوا نمی‌کنیم به بشقاب هم احتیاج نداریم ما به شما احتیاج داریم شما به یه پدر و مادر خوب (لج و لجبازی، ۱۳۵۴).

در خصوص چرایی تفاوت‌های نشان‌داری در توالی تقابل‌ها نیز می‌توان گفت تقابل از اصل شناختی کلی و بازنمایی‌های مفهومی تبعیت می‌کند؛ بنابراین جفت‌هایی که فراوانی زیادی دارند در بازنمایی ذهنی قوی‌تر عمل کرده و به آسانی در دسترس قرار می‌گیرند. از سوی دیگر بر اساس آنچه گفته شد تمایل جهانی در انسان‌ها مبنی بر استفاده از کلمات مثبت وجود دارد تا کلمات منفی و حتی برای ایجاد تقابل منفی، وندهای منفی به طور قابل توجهی با عناصر پایه مثبت به کار برده می‌شوند «خواستن/ نخواستن» و «داری/نداری». در نتیجه، توزیع نامتقارنی در جفت‌های متقابل زبان وجود دارد، زیرا مفاهیم یا مرجع‌هایی را که بر آن‌ها دلالت می‌کنند در یک رابطه متقابل قرار ندارند و اصول توزیعی که از آن‌ها تبعیت می‌کنند اصول کلی، شناختی و اطلاعات مفهومی را منعکس می‌سازند که خود نیازمند بازنمایی‌های مفهومی و عوامل عمل‌گرا هستند.

منابع

- بی‌جن‌خان، محمود؛ و محسنی، م. (۱۳۹۱). فرهنگ بسامدی: بر اساس پیکره متنی فارسی امروز، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کلاه‌دوزمحمدی، ماندانا؛ رضاقلی‌فامیان، علیرضا؛ آقاگل‌زاده، فردوس؛ افراشی، آریتا (۱۳۹۸). چارچوب‌های نحوی و کارکردهای کلامی تقابل واژگانی در زبان فارسی، *زبان‌پژوهی*، دوره ۱۱، شماره ۳۰.
- Bijankhan, M., & Mohseni, M., 2012. *Farhang-e basamadi bar asas-e peykare-ye matni-ye Farsi*. (Frequency dictionary according to a written corpus of today Persian language). Tehran: University of Tehran Press [in Persian].
- Clark, H.H., 1970. Word associations and linguistic theory. In: Lyons, J. (Ed.), *New Horizons in Linguistics*. Penguin, Baltimore, pp. 271–286.
- Fellbaum, C., 1995. Co-occurrence and antonymy. *Int. J. Lexicogr.* 8 (4), 281–303. <http://dx.doi.org/10.1093/ijl/8.4.281>.
- Givón, T., 1970. Notes on the semantic structure of English adjectives. *Language* 46, 816–837.
- Hale, K.L., 1971. A note on a Warlbiri tradition of antonymy. In: Steinber, D.D., Jakobovits, L.A. (Eds.), *Semantics*. An Interdisciplinary Reader in

- Philosophy, Linguistics and Psychology. *Cambridge University Press*, Cambridge, pp. 472–484.
- Handke, J., 1995. *The Structure of the Lexicon: Human Versus Machine*. Mouton de Gruyter, New York.
- Haspelmath, M., 2006. Against markedness (and what to replace it with). *J. Linguist.* 42, 25–70. <http://dx.doi.org/10.1017/S0022226705003683>.
<http://dx.doi.org/10.1016/j.langsci.2014.07.013>
- Jones, S., 2002. *Antonymy: a Corpus-based Perspective*. Routledge, London and New York.
- Kolahdouz Mohammadi, M., Reza Gholi Famian, A., Aghaagolzadeh, F., Afrashi, A., 2019. *Chaharchubha-ye nahvi va karkardha-ye kalami-ye taghabol-e vazhegani dar zaban-e Farsi* (Syntactic Frameworks and Discourse Functions of Lexical Antonymy in Persian Language), *ZabanPazhuhi*, Vol. 11, No.30[in Persian].
- Kosti'c, N. 2014. Antonym sequence in written discourse: a corpus-based study. *Language Sciences Language Sciences* 47 (2014) 18–31.
- Leech, G., Rayson, P., Wilson, A., 2001. *Word Frequencies in Written and Spoken English Based on the British National Corpus*. Longman, Harlow.
- Lehrer, A., 1985. Markedness and antonymy. *J. Linguist.* 21 (2), 397–429. <http://dx.doi.org/10.1017/S002222670001032X>.
- Ljung, M., 1974. Some remarks on antonymy. *Language* 50 (1), 74–88.
- Lobanova, A., 2012. *The Anatomy of Antonymy: a Corpus-driven Approach* (PhD dissertation). University of Groningen, Netherlands.
- Mayerthaler, W., 1988. *Naturalness in Morphology*. Karoma, Ann Arbor.
- Mettinger, A., 1994. *Aspects of Semantic Opposition in English*. Oxford University Press, Oxford.
- Mowrey, R., Pagliuca, W., 1995. The reductive character of articulatory evolution. *Riv. Linguist.* 7 (1), 37–124.
- Murphy, G.L., Andrew, J.M., 1993. The conceptual basis of antonymy and synonymy in adjectives. *J. Mem. Lang.* 32 (3), 301–319. <http://dx.doi.org/10.1006/jmla.1993.1016>.
- Murphy, M.L., 2000. Knowledge of words versus knowledge about words: the conceptual basis of lexical relations. In: Peeters, B. (Ed.), *The Lexicon Encyclopedia Interface*. Elsevier, Amsterdam, pp. 317–348.
- Murphy, M.L., 2003. *Semantic Relations and the Lexicon*. Cambridge University Press, Cambridge.
- Vendler, Z., 1963. *The Transformational Grammar of English Adjectives*. Department of Linguistics, University of Pennsylvania, Pennsylvania.

